

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن – المان ، جنوری ۱۹۹۹م

سودای غربت

چه سخت است در ملک اغیار بودن
به پا ، نیش خار حقارت خلیدن
غریب و دل افگار و بیمار بودن
چنان زار بودن ، چنین خوار بودن
به ادبار ، بار مذلت کشیدن
به دوش همه دوستان بار بودن
ز اوج سعادت فرو افتادن
به کنج مصیبت نگونسار بودن
زهر زخم چشمی به دل تیر خوردن
به هر گوشه در آستین مار بودن
به هر محفلی خویش را کم شمردن
به دل داشتن محنت تنگدستی
به سودای عالم گرفتار بودن
سخن های پائین و بالا شنیدن
چو لرزنده شمشاد ، بی بار بودن
زهر رنگ گل بارها خار خوردن
به چشمان همسایگان خار بودن
نه آزاد گفتن ، نه دلشاد خفتن
درین ملک سودا و وسواس کم نیست
ترا تا ببینند دیوانه خوانند
به بازار مکارگان پا نهادن
به سر ، تا به قعر غم و درد رفتن
به امید روز فرحبار بودن
عزیزان خود مفت از دست دادن
چنین است آزردهای غریب
چه خوب است با اینهمه نا مرادی
که بی پا و سر بر سر دار بودن
بهم دوست بودن ، بهم یار بودن

«اسیر» این نصیحت بیاران ضرورست

وطندار خود را مددگار بودن